



## تضمینات حمایت از مالکیت فکری در قانون

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۷/۱۵)

بهنام محمدزاده

### چکیده

امروزه اهمیت حقوق مالکیت های فکری در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها بر کسی پوشیده نیست و برای حضور در بازارهای جهانی و ایجاد تسهیلات لازم برای انتقال تکنولوژی و سرمایه گذاری خارجی تلاش های زیادی از ناحیه کشورها و مجامع اقتصادی حقوقی بین المللی صورت می گیرد که از جمله آنها می توان به وضع قوانین و مقررات مختلف در مورد انواع مالکیت های فکری به ویژه مالکیت های صنعتی - تجارتي در سطح ملی و بین المللی اشاره نمود. حقوق مالکیت های فکری به دو قسم عمده ۱ - مالکیت های ادبی و هنری ۲ - مالکیت های صنعتی و تجارتي تقسیم می شوند. منظور از مالکیت های ادبی و هنری، آن قسم از آفرینش های فکری است که موضوع آن حمایت از آثار ادبی (مانند رمان، داستان، شعر) و هنری (فیلم، موسیقی) است. موضوع مطالعه حقوق مالکیت های صنعتی و تجاری حمایت از انواع دارایی های تجاری و صنعتی از قبیل علائم تجاری، حق اختراع، نشانه های جغرافیایی و ... می باشد که در حوزه صنعت و تجارت واجد ارزش و مطلوبیت است.

**واژگان کلیدی:** مالکیت فکری، مالکیت ادبی و هنری، نظام شهروندی، حقوق مالکیت

های صنعتی



## بخش اول: کلیات

الف) شهروند: اساساً شهروند به کسی گفته می‌شود که به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی یعنی دولت - کشور دارای حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی است. شهروندی ربطی وثیق با مقوله تابعیت دارد. شهروند فردی است دارای حقوق سیاسی مانند حق رأی، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن و به طور کلی حق مشارکت (مردم یاری) در سرنوشت یک ملت.<sup>۱</sup> همچنین، شهروند فردی است که تحت حاکمیت و حمایت یک دولت قرار دارد و دارای حقوق مدنی و تکالیفی نسبت به دولت است. هر شهروند نیز شهروندی خود را به طریق، ذوق و روش خود اعمال می‌کند؛ ولی باید آنها را در مجموعه ملی وظایف و تعهداتی که نسبت به جامعه سیاسی دارد، انجام دهد. به عبارت دیگر، از جهت حقوقی، شهروند فردی است دارای حقوق مدنی و سیاسی و نیز دارای تعهداتی نسبت به جامعه.<sup>۲</sup>

ب) حقوق شهروندی: ارائه تعریفی جامع و کامل در بسیاری از علوم اجتماعی من جمله حقوق امکانپذیر نیست. حقوق شهروندی در چهارچوب حقوق بشر قرار می‌گیرد و حقوق بشر مجموعه حقوقی است که برای شان انسان بدون در نظر گرفتن حلقه تابعیت فرد لازم تلقی می‌شود.<sup>۳</sup> ولی در مورد حقوق شهروندی، حلقه بین یک فرد و یک دولت و حاکمیت، یعنی حقوق و تکالیف متقابل فرد در رابطه با دولت هم مطرح است و در واقع همان حقوق بشری است که اتباع یک کشور از آن برخوردار هستند و تکالیفی که یک دولت در مقابل اتباع خود دارد. اصول حقوق شهروندی مشترک است ولی نحوه تحقق آن متفاوت می‌باشد. جامعه شناسان حقوق شهروندی را آن دسته از حقوق و مقررات عام اجتماعی تعریف می‌کنند که به فرد فرصت می‌دهد تا از خدمات و امکانات در دسترس استفاده کرده و مانعی نیز محیط زندگی و حیات او را تهدید نکند. حقوق شهروندی در آن مفهوم که بر ابتدایی ترین و اساسی

<sup>۱</sup> اردبیلی، محمدعلی؛ امیرارجمند، اردشیر؛ قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ جاوید، محمدجواد، اقتراح: چیستی و چرایی حقوق شهروندی؛ از نظریه قانون، حقوقی دادگستری، بهار ۱۳۸۶ - شماره ۵، ص ۲۷

<sup>۲</sup> اردبیلی، محمدعلی؛ امیرارجمند، اردشیر؛ قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ جاوید، محمدجواد، همان، ص ۳۹

<sup>۳</sup> موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۱، ص ۴۰۷



ترین حقوق تمامی افراد بشر دلالت دارد. به هیچ وجه، محدوده ای به نام شهر و روستا ندارد و نام گذاری آن به این عنوان تنها ناشی از مسامحه می باشد. حقوق شهروندی هرچند در پاره از اقسام فطری بوده و از ابتدای تاریخ انسانیت همزاد بشر بوده است، اما در اکثر موارد، نتیجه تلاش های انسان های حق خواه می باشد. حقوق شهروندی را باید نماد هویت جمعی نامید، زیرا پیش از آنکه به محدوده خاصی از جهان وابسته باشد، تبلوری از اعلامیه تاریخی «حقوق بشر» به عنوان نخستین منبع معتبر بنیادی ترین حقوق قابل تصور افراد است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که مفهوم حقوق شهروندی را نباید با مفهوم حقوق بشر یکسان دانست به عبارت دیگر اگرچه حقوق شهروندی مفهومی است که بر تابعیت تأکید دارد اما حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است. به همین دلیل است که در تعریف حقوق بشر گفته شده است که «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعا دارای آن است»<sup>۱</sup>

ج) مفهوم مالکیت فکری: مالکیت فکری، واژه ای است که در زندگی امروز ما به دفعات مورد استفاده قرار می گیرد ولی هنوز، مفهوم ناچیزی از آن توسط عموم برداشت می شود. این عبارت، ناظر بر خلاقیت‌های مورد استعمال در تجارت و بازرگانی است که شامل اختراعات، آثار ادبی و هنری، نشانه ها و عناوین است.<sup>۲</sup> حقوق مالکیت فکری که یکی از ارکان مهم تمدن است، از قدیم الایام مورد توجه بوده است، ولی قوانین مدون آن، در انگلستان به تصویب رسید و به مرحله اجرا در آمد. مالکیت فکری، مالکیت و سلطه قانونی است که به موجب آن صاحب اثر می تواند و از منافع و شکل خاصی از فعالیت یا اندیشه ابراز شده خود به طور انحصاری استفاده نماید. مالکیت فکری، همان طور که از اسم آن برمی آید، زائیده

<sup>۱</sup> فلسفی، هدایت الله، تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی،

شماره ۱۶-۱۷، ۱۳۷۵، ص ۹۵

<sup>۲</sup> ساعد وکیل، امیر، حمایت از مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران، تهران، مجمع علمی و فرهنگی

مجله، ۱۳۸۳، ص ۱۷



فکر بشر است و دلالت دارد بر خلاقیت‌های فکری از قبیل آثار ادبی، هنری، اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های استفاده شده در تجارت و بازرگانی و غیره. مالکیت فکری را می‌توان زائیده تمدن جدید بشریت دانست. حقوق مالکیت فکری در معنای وسیع کلمه عبارت از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری که از راه دانش، هنر یا ابتکار آفریننده پدید می‌آید. هدف از حمایت از این حقوق، تشویق و ترغیب و گرایش به ایجاد آفرینش‌های فکری و آزادسازی دسترسی به آنها با هدف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بهبود زندگی بشر است.<sup>۱</sup> بنابراین تعریف این قسم از حقوق عمدتاً به موضوعاتی می‌پردازد که زائیده فکر و اندیشه انسان و مرتبط با آفرینش‌های ذهنی اوست. به بیان دیگر، موضوع این مالکیت ذاتاً غیرقابل لمس است. تعاریف دیگری نیز در خصوص حقوق مالکیت فکری وجود دارد از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

«برخی دیگر از حقوقدانان در بیان ماهیت مالکیت فکری چنین گفته‌اند: «منظور از حقوق فکری حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی است و موضوع آنها شیء مادی نیست موضوع این حقوق در واقع اثر فکری انسان است. این حقوق شامل حق مؤلف و هنرمند، حق مخترع، حق تاجر نسبت به نام تجاری و علائم صنعتی و تجارتي و حق سرقتی است»<sup>۲</sup>.

برخی با تاکید بر نقش دولت در حمایت و اعطای این حقوق چنین گفته‌اند: «مالکیت معنوی عبارت است از حقوق انحصاری، اختصاصی و موقتی که به وسیله دولت، برای آفرینش‌های فکری و معنوی به آفریننده، مبتکر و مخترع اعطاء می‌گردد»<sup>۳</sup>.

### بخش دوم: مبانی حقوق شهروندی

مباحث حقوق شهروندی به نوعی، از فطرت انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و می‌توان آن را مجموعه‌ای از ارزشها و قوانینی دانست که در هر جامعه‌ای بسته به نوع نگرش آن جامعه به انسان و حیثیت او، براساس موقعیت زمان و مکان برای حفظ شأن و کرامت انسان ضروری می‌

<sup>۱</sup> نوروزی، علیرضا، حقوق مالکیت فکری، تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۱، ص ۱۹

<sup>۲</sup> صفایی، سیدحسین؛ مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، میزان، ۱۳۷۵، چاپ اول، ص ۶۸

<sup>۳</sup> شمس، عبدالحمید؛ حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی، تهران، سمت، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۲



باشد.<sup>۱</sup> گرچه اصطلاح شهروندی، واژه‌ی جدیدی است، اما مفهوم آن، یعنی نحوه‌ی بهره‌مندی اشخاص مختلف در یک جامعه از حقوق، برحسب نوع وابستگی و پیوند با حکومت، به قدمت تاریخ سابقه دارد. در مدینه‌النبی، معیار عضویت در جامعه‌ی اسلامی (شهروندی به زبان امروزی) یکی از دو چیز بوده است؛ مسلمان بودن یا پیمان پذیر بودن.<sup>۲</sup> بدین ترتیب امت مسلمان و امت یهود مدینه، در عین حفظ استقلال جامعه‌ی دینی خود، جامعه‌ی سیاسی واحدی را به وجود می‌آورند و پیامبر وحدت دینی را جایگزین وحدت قومی می‌نماید و پیروان سایر ادیان الهی را به شرط پیمان به عضویت جامعه‌ی سیاسی در می‌آورد. با نزول آیات سوره‌ی توبه و تشریح پیمان ذمه، عضویت قراردادی در جامعه، از یهودیان مدینه فراتر رفته و سایر اهل کتاب را نیز دربرمی‌گیرد و آنان نیز در پرتو پذیرش پیمان ذمه در جامعه‌ی اسلامی و نه امت مسلمان عضویت می‌یابند.<sup>۳</sup> هرکس که هیچ‌یک از این دو شرط را نداشت، بیگانه (غیرشهروند) تلقی می‌شد. نظام شهروندی به معنای واقعی آن به معنای برخورداری عموم اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است به گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی، و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. اساساً در نظام حقوقی اسلام به طور کلی حق و تکلیف با هم وجود دارد در خصوص مبانی حقوق شهروندی در اسلام دو اصل مهم وجود دارد یکی کرامت انسانی است که در بند شش اصل دوم قانون اساسی از کرامت و ارزش والای انسان و آزادی تام با مسئولیت او در برابر خداوند نام برده شده است و دیگری نظارت عمومی و همه‌مسئول هم بودن است که در اصل هشتم قانون اساسی نیز دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل است که بر عهده مردم نسبت به یکدیگر و دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت نام برده شده

<sup>۱</sup> موسوی، صادق؛ عموقلی میرآخوری، نرگس، بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظرات امام خمینی-ره، نامه‌الهیات، زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۱، ص ۶۴

<sup>۲</sup> پروین، فرهاد، حقوق شهروندی درسیره نبوی و درحقوق ایران، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، مهر و آبان ۱۳۸۷ - شماره ۷، ص ۹۶

<sup>۳</sup> پروین، فرهاد، همان، ص ۹۷



است.<sup>۱</sup> مطالعه در منابع اصیل اسلامی، خصوصاً کتاب قرآن، ما را به این نتیجه می‌رساند که: تعیین حقوق بشر و حقوق شهروندی نیازمند شناخت نیازمند شناخت دقیقی از بشر و نیازهای او می‌باشد. از آنجایی که نگرش مکاتب بشری بر انسان، نگرشی مادی می‌باشد، لذا اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه‌های مشابه آن نمی‌تواند بر همه ابعاد وجودی انسان اشراف داشته و همه نیازهای انسان را در نظر بگیرد. اسلام و مکاتب وحی انسان را دارای حیثیت و کرامت ذاتی می‌دانند. انسان اسلام که روح خداوند در او دمیده شده، انسانی است که تنها یک حیوان ناطق و یا متفکر نمی‌باشد بلکه او می‌تواند برتر از ملائکه باشد و خلیفه الله در روی زمین است و این تعبیر انسان را مستحق رسیدن به بالاترین مدارج علم و کمال در هستی می‌داند. از نگاه مادی گرایان آزادی، رسیدن به لذات و راحتی دنیوی می‌باشد.<sup>۲</sup>

### بند اول: مبنای موضوع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی هر کشور به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده سمت و سوی حرکت بخشهای مختلف: اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مطرح است. در قانون اساسی، اصول کلی بنیادگیری نظم عمومی جامعه و پیوندهای بین حکومت کنندگان و حکومت پذیران (یعنی مردم)، به صورت ارتباط دو سویه مبتنی بر حق و تکلیف، پایه‌ریزی می‌شود. و نتیجه عمل به آن، رسیدن به ارزشها و هنجارهایی است که به عنوان آرمانها و اهداف، در قانون اساسی مدنظر قرار گرفته‌اند. «قانون اساسی هر کشوری قانون مادر و اصلی ترین قانونی است که روابط مالی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن کشور را شکل و سازمان می‌دهد و در حقیقت قانون اساسی متشاء بسیاری از قوانین و مقررات هر کشور است.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی جلد ۱، حقوق سیاسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، صص ۲۴۱-۲۳۶

<sup>۲</sup> موسوی، صادق؛ عموقلی میرآخوری، نرگس، پیشین، ص ۷۶

<sup>۳</sup> - یگانه، فریدون، قوانین و مقررات مادر براساس برنامه مصوب شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، تهران، نیک اندیش، ۱۳۸۵، ص ۱۱.



از آنجا که یکی از اهداف مهم تدوین و تأسیس قوانین اساسی کشورها، تنظیم قدرت، تعیین وظایف و اختیارات قوای حاکم و حفظ حقوق عمومی و جلوگیری از خودکامگی‌ها بوده است.<sup>۱</sup> در ایران نیز، پس از جریان مشروطه، در سال ۱۲۸۵ شمسی، قانون اساسی تأسیس و تدوین شد که موجب تغییر «سلطنت مطلقه شاهان» به «سلطنت مشروط به قانون اساسی» شد.<sup>۲</sup> پس از انقلاب اسلامی نیز، قانون اساسی ج.ا.ا، چکیده و محور اصلی اهداف، افکار، آرمان‌ها و ایده آل‌های ملتی است که تابع مکتب اسلام است و در آن، اسلام همه چیز را تحت الشعاع قرار داد و برگشت همه اصول آن به احکام اسلام است و بسیاری از اصول تدوین شده، آیات الهی را پشتوانه خود دارد. در جریان تدوین قانون اساسی تلاش شده تا احکام در همه زمینه‌ها، مأخوذ از اسلام باشد و در موارد حرج و ضرورت با استفاده از عناوین ثانویه به بن بست‌های ناشی از نارسایی‌های زمانی پاسخ داده شود. به این ترتیب قانون اساسی ج.ا.ا، با این که بسیاری از اصطلاحات و عبارت‌های قوانین اساسی دیگر کشورها را دارد، محتوای آن اسلامی است. مقدمه قانون اساسی هم به این امر تصریح کرده و آن را (انعکاس خواست قلبی امت اسلامی) می‌داند.<sup>۳</sup> اصل چهارم قانون اساسی، تکلیف همه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها را از نظر ضرورت انطباق با موازین اسلامی صریحاً روشن کرده است. از آن جا که این اصل در فصل کلیات آمده و نیز به حکم قانون اساسی، از ویژگی خاص (حاکمیت بر سایر اصول) برخوردار است، اگر اصولی از قانون اساسی احکامی را با اطلاق و یا عموم بیان کند که مصادیق آن اطلاق و عموم با موازین اسلامی تطبیق نداشته باشند، پذیرفته نمی‌شوند، حتی اگر موافق قانون اساسی باشند.<sup>۴</sup> قانون اساسی به عنوان فقه سیاسی مکتوب شیعه توجه خاصی به حقوق شهروندی کرده به طوری که رنگ، نژاد و زبان را موجب تفاوت در برخورداری از این حق نمی‌داند و دولت را موظف به رعایت حقوق شهروندی برای همه انسان‌ها می‌کند؛ ضمن

<sup>۱</sup> شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۸ ص ۳۹

<sup>۲</sup> شعبانی، قاسم، همان، ص ۲۳

<sup>۳</sup> مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی، ج ۱، تهران: سروش، ...، صص ۱۷-۱۸

<sup>۴</sup> مدنی، جلال‌الدین، همان، ص ۱۱۹



اینکه قانون اساسی نه تنها به ذکر نظری حقوق شهروندی توجه کافی داشته، بلکه در عمل هر سه قوه حاکمیت را مدافع این حق قلمداد کرده و سهم ویژه‌ای برای قوه قضائیه قائل شده چنان که در اصل ۱۵۶، این قوه را پشتیبان حقوق فردی و جمعی یعنی پناهگاه حقوق آحاد جامعه تلقی کرده است. همانگونه که مطرح شد، در یک حکومت مردم‌سالار، قانون اساسی، به عنوان یک میثاق ملی و سند حقوقی، زمامداری را سامان می‌بخشد و حکومت و مردم در روابط متقابل خود مکلف به رعایت آن هستند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز فصلی تحت عنوان حقوق ملت وجود دارد که به تشریح حقوق شهروندان و متقابلاً وظایف دولت می‌پردازد.<sup>۱</sup> در این میان توجه به انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز خالی از فایده نخواهد بود. انواع حقوق شهروندی مورد اشاره در قانون اساسی با توجه به ابعاد گوناگون آن به شرح زیر است:

۱- حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندان: در بند ششم اصل سوم قانون اساسی «محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی» و در بند هفتم این اصل «تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی» و اهتمام دولت در به کار بردن همه امکانات جهت «مشارکت عامه مردم در تبیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش» به عنوان تکالیف مهم دولت و حکومت از جمله مواردی است که قانونگذار بنیادهای حقوق سیاسی و اجتماعی مردم را ترسیم نموده است.

سلب نکردن آزادی‌های مشروع حتی با نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور با استفاده از ابزار قانون و وضع قوانین از جمله راهبردهای مورد تأکید قانونگذار در اصل نهم قانون اساسی است. در اصل هشتم قانون اساسی بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم تأکید شده است. ممنوع کردن تفتیش عقاید و پرهیز از تعرض و مواخذ به دلیل عقیده<sup>۲</sup>، آزاد بودن نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، ممنوعیت بازرسی نامه‌ها،

<sup>۱</sup> جاوید، محمدجواد، ابراهیمی، محمد، «تکالیف شهروندی» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش حقوق

عمومی، دوره ۲، شماره ۴، ۱۳۹۲، ص ۲۵

اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸





ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و استراق سمع و پرهیز از هر گونه تجسس<sup>۱</sup>، آزادی احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی<sup>۲</sup> آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها<sup>۳</sup> از جمله اصول تصریح شده اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

۲- حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی: حق انتخاب شغل و امکان انتخاب شغل<sup>۴</sup>، دارا بودن مسکن متناسب<sup>۵</sup> و مصونیت شغل و مسکن از تعرض، حرمت مالکیت شخصی - اصل ۴۶ و ۴۷ و برخورداری از تامین اجتماعی<sup>۶</sup> از جمله مواردی است که قانونگذار به عنوان حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی لحاظ کرده است.

۳- حقوق قضائی: هشت اصل از قانون اساسی به حقوق قضائی شهروندان تخصیص داده شده است. اصول ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ حقوق قضائی شهروندان را تبیین نموده است. هدف اصلی حقوق قضائی شهروندان ایجاد امنیت قضائی برای اعضای جامعه است. در بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی بر تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه «برای همه و تساوی عمومی در برابر قانون» تصریح شده است.

عطف به ماسبق نشدن قانون<sup>۷</sup>؛ اصل برائت<sup>۸</sup>؛ اصل تامین قضائی<sup>۹</sup>؛ اصل استفاده از حق وکیل<sup>۱۰</sup> اصل ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار با تهدید و ارباب<sup>۱۱</sup>؛ اصل علنی بودن دادرسی<sup>۱</sup>؛

<sup>۱</sup> اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۲</sup> اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۳</sup> اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۴</sup> اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۵</sup> اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۶</sup> اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۷</sup> اصل ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۸</sup> اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۹</sup> اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۱۰</sup> اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۱۱</sup> اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



اصل حق مسلم دادخواهی - اصل ۳۴؛ از جمله حقوق قضائی شهروندی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

۴- حقوق فرهنگی: گر چه در اصل بیستم قانون اساسی، برخورداری از حمایت قانونی و تساوی افراد در همه ابعاد حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را با رعایت موازین اسلام به عنوان سیاست محوری حقوق شهروندی مورد توجه قرار داده است، اما در اصول اختصاصی جزئیات حقوق فرهنگی به طور آشکار مورد بحث قرار نگرفته است.

از جمله حقوق فرهنگی تصریح شده در قانون اساسی، دادن حق استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و در رسانه‌های جمعی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی برای اقوام مختلف ساکن در ایران است. همچنین بند سوم اصل سوم قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی، برای همه در تمام سطوح و تسهیل آموزش عالی تاکید ورزیده است. بر همگانی ساختن آموزش و رایگان کردن آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسط و گسترش آموزش‌های دانشگاهی به طور رایگان با رعایت امکانات در اصل سی ام قانون اساسی تاکید شده است. لازم به توضیح است علاوه بر قانون اساسی بسیاری از اسناد بالادستی و همچنین قوانین عادی نیز در راستای تضمین حقوق شهروندی تنظیم و تنسيق شده اند. از آن جمله اشاره به سند چشم انداز لازم می نماید. مطابق سند چشم انداز، جامعه در افق بیست ساله باید به سوی جامعه ای توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی حرکت کند و اتکا بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی و با تاکید بر:

- مردم سالاری دینی
- عدالت اجتماعی
- آزادیهای مشروع
- حفظ کرامت و حقوق انسان ها



- بهره مندی از امنیت اجتماعی و قضایی

فرد ایرانی در سال ۱۴۰۴ باید فردی فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند و برخوردار از امکانات زیر باشد:

الف) رفاه ملی (که مصادیق آن عبارتند از: سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تأمین اجتماعی و فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب)

ب) امنیت ملی (امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازاریابی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت)

ج) تولید ملی (برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی)

### بند سوم: مبنای موضوع در تئوری حکمرانی خوب و حاکمیت قانون

امروزه بر کسی پوشیده نیست که یکی از مهمترین کارویژه های حکومتها تضمین حقوق شهروندی است. در این راستا، با پیدایش نظریه حکمرانی مطلوب، تحقق حقوق شهروندی با تمام اجزاء آن، یکی از شاخصه ها معیارهای سنجش محسوب می گردد. به گونه ای که « کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تأکید داشت که حکمرانی خوب و حقوق بشر به طور متقابل همدیگر را تقویت می کنند. به این نحو که تقویت نهادهای دموکراتیک، بهبود ارائه خدمات، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، تشویق مشارکت عمومی، پاسخگویی مقامات، به ترویج آن کمک می کند. همچنین جامعه مدنی فعالانه در تصمیم گیری و سیاستگذاری ها به نمایندگی گسترده از منافع اجتماعی عمل می کند. گروه های محروم از جمله زنان و اقلیتها، دارای توانایی و قدرت کافی برای دفاع از حقوق خود می شوند و در نتیجه همه نهادهایی که به تنوع فرهنگی احترام قائلند به حل و فصل تنش های اجتماعی و مقابله با چالش های نابرابری و فقر می پردازند.<sup>۱</sup> بنابراین دموکراتیک کردن نهادها به فرآیند حفاظت از حقوق شهروندی

<sup>۱</sup> حبیب زاده، توکل، سیفی، حافظه، تأثیر حکمرانی مطلوب در اجرایی شدن حق بر توسعه با تأکید بر بعد ملی، فصلنامه

دیدگاه حقوق قضایی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۲۶



کمک می‌کند. از نظر واژه شناسی، حکمرانی به واژه یونانی "KUBERNAN" به معنی هدایت کردن یا اداره کردن برمی‌گردد و توسط افلاطون در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت استفاده شده است. این اصطلاح یونانی ریشه لغت "Gubenare" در لاتین قرون وسطی بود که بر همان مفاهیم هدایت کردن، قانونگذاری یا راندن دلالت می‌کند. اگرچه گاهی حکمرانی را مترادف با واژه حکومت "Government" دانسته اند اما باید دانست که این دو مفهوم کاملاً بایکدیگر متفاوت می‌باشند. چرا که «حکومت متشکل از نهادهای سیاسی - اداری و دستگاههای قانونگذاری، اجرایی، قضایی و نظامی است، حال آنکه حکمرانی به پویش‌ها یا فرآیندهای تصمیم‌گیری، چگونگی اعمال قدرت، تعامل‌های دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد.<sup>۱</sup> حکمرانی موضوعی است درباره نحوه تعامل دولتها و سایر سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط اینها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده. «حکمرانی فرآیندی است که از آن طریق جوامع یا سازمانها تصمیمات مهم خود را اتخاذ و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرآیند درگیر شوند و چگونه وظایف خود را به انجام برسانند. سیستم حکمرانی چارچوبی است که فرآیند برآن متکی است به این معنا، که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای سیاستها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا شوند.<sup>۲</sup> یکی از مهمترین تعاریفی که از حکمرانی به عمل آمده، تعریفی است که بانک جهانی ارائه داده است. این بانک حکمرانی را به عنوان «روشی که براساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود»<sup>۳</sup>، تعریف می‌کند. دقیقترین تعریف از حکمرانی که از طریق کمیسیون حکمرانی جهانی (۱۹۹۵) آمده است؛

<sup>۱</sup> - سردارنیا، خلیل، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، مجموعه خلاصه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و

توسعه در ایران، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش، مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰

<sup>۲</sup> - صانعی، مهدی، حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی، تدبیر، شماره ۱۷۸، اسفند ۸۵، ص ۲۷

<sup>۳</sup> - نقیبی منفرد، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، شهر

دانش، ۱۳۸۹، ص ۹۹



«حکمرانی مجموعه ای از روش های فردی و نهادی عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره میکند؛ حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری جویانه اتخاذ می گردد. حکمرانی شامل نهادهای رسمی و نظامی هایی است که برای تضمین رعایت قانون، قدرت پیدا کرده اند، همچنین قرارهای غیررسمی که مردم و نهادها بر سر آنها توافق نموده اند یا درک می کنند که به نفع آنهاست<sup>۱</sup>». براساس تعریفی که برنامه توسعه سازمان ملل ارائه می دهد، حکمرانی اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور است به موجب این تعریف، حکمرانی خوب شامل مکانیزم ها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروهها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی را اجرا می کنند و تعهداتشان را برآورده می سازند و تفاوتشان را تعدیل می کنند.<sup>۲</sup> سازمان ملل متحد حکمرانی خوب را بر بنیانهای زیر استوار می داند: «نظام صحیح نمایندگی (عملکرد مناسب سیاسی و همکاری مبتنی بر منافع)، نظام انتخاباتی صحیح، نظام صحیح نظارت و کنترل (مبتنی بر توزیع قدرت)، جامعه مدنی زنده و پویا (که کنترل کننده دولت و تجارت بخش خصوصی باشد)، رسانه های مستقل و آزاد و کنترل موثر شهروندی بر ارتش و سایر نیروهای نظامی، حکمرانی با توجه به تعریف، الگوی متعادل کننده قدرت بین دولت و بخش خصوصی و مدنی، نظارت کننده رفتار دولت و شهروندان، شفاف کننده رفتار طرفین، تسهیل کننده فعالیتهای موجود جامعه و مشروعیت دهنده قدرت موجود در هر بخش است.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استریتن، پل، حکمرانی خوب، پیشینه و تکوین مفهوم، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴.

<sup>۲</sup> شریف زاده، فتاح، قلی پور، رحمت اله، حکمرانی خوب و نقش دولت، فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال ۱، شماره ۴، ۱۳۸۲، ص ۹۷.

<sup>۳</sup> قلی پور، رحمت اله، تحلیل رابطه حکمرانی خوب و فساد اداری، فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال ۳ شماره ۱۰، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳.



## بخش دوم: تضمینات حمایت از مالکیت فکری در معاهدات بین المللی

موافقت نامه تریپس یا موافقت نامه راجع به جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری از نظر شمول جنبه های مختلف مالکیت فکری و راههای تضمین اجرای حقوق ذینفعان، جامعترین سند بین المللی در این خصوص محسوب می شود. برای مثال حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط با آن، علایم تجاری کالاها و خدمات، نشانه های جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع و... را می توان در این زمینه نام برد. کشور ما برای عضویت رسمی در سازمان تجارت جهانی، مکلف است با الحاق به این موافقت نامه، مقررات داخلی خود را با آن هماهنگ کند.<sup>۱</sup> رشد وسایل ارتباطی و میل بشر به استفاده از دستاوردهای ملت های دیگر، باعث شده که آثار مولفان به سرعت و بدون ضابطه منتقل و منتشر شود. از همان ابتدا، ناتوانی قوانین داخلی در مقابله با این پدیده، کاملاً مشهود و روشن بود. برای رفع این مشکل، دولت ها قراردادهای و معاهدات بین المللی منعقد نمودند که کنوانسیون برن ۱۸۸۶، کامل ترین و کاربردی ترین آن ها در این زمینه است. مهم ترین نکته درباره کنوانسیون برن، آن است که همه کشورهایی که خواهان پیوستن به سازمان تجارت جهانی هستند، باید اصول برن منعکس شده در ماده ۹ موافقت نامه تریپس ( Agreement On Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)) را بپذیرند و اجرا کنند.<sup>۲</sup> موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری که جز، لاینفک و اسناد لازم الاجرای سازمان تجارت جهانی است، یکی از جامع ترین و کامل ترین مقررات درباره حقوق مالکیت فکری محسوب می گردد که تاکنون در سطح بین المللی وجود داشته است.

مقررات اصلی موافقت نامه تریپس را می توان به پنج گروه زیر تقسیم کرد:

### ۱- اصول اساسی و تعهدات کلی

<sup>۱</sup> صادقی، محسن؛ محسنی، حسن؛ حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در موافقتنامه تریپس و حقوق و تکالیف

جمهوری اسلامی ایران، مدرس علوم انسانی، تابستان ۱۳۸۶ - شماره ۵۱، ص ۱۲۷

<sup>۲</sup> توسلی ناینی منوچهر\*، جعفر یشهین، کنوانسیون برن ۱۸۸۶ (حمایت از آثار ادبی و هنری) و مزایای الحاق ایران به آن،

پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی): پاییز ۱۳۸۸، دوره ۵، شماره ۱۷، ص ۱۱



۲- استانداردهای حداقل حمایت، از جمله: مدت حمایت و کنترل رویه‌های ضد رقابتی در لیسانسهای قراردادی؛

۳- رویه‌های بازرگانی محدود کننده؛

۴- اجرای حقوق مالکیت فکری

۵- ترتیبات انتقالی برای اجرای مقررات در سطح مالی<sup>۱</sup>.

موافقتنامه راجع به حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت (تریپس) یکی از موفقیت‌های بزرگ کشورهای صنعتی برای حمایت از حقوق مالکیت معنوی در چهارچوب سازمان تجارت جهانی است. این موافقتنامه شامل مقررات تفصیلی در بیان وظایف اعضای سازمان تجارت جهانی در جهت رعایت و تضمین حق مالکیت معنوی در سرزمین خود است. بند ۱ ماده ۱ موافقتنامه مذکور اعضا را مکلف به تضمین حقوق مالکیت فکری نموده و راه‌های اجرایی آن را به کشورهای عضو واگذار نموده است. طبق ماده ۹ در رابطه با حق نسخه برداری و حقوق مرتبط کشورهای عضو باید مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن عمل کنند. در رابطه با علائم تجاری، موافقتنامه تریپس آزادی عمل بیشتری به اعضا داده و بعضی از تعهدات کنوانسیون پاریس را در این رابطه مقرر داشته است. در مورد علائم جغرافیایی، موافقتنامه تریپس ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس را مطرح کرده که هرگونه استفاده از علائم جغرافیایی - مثل محل ساخت - برای رقابت نامشروع ممنوع شده است. در این موافقتنامه همچنین طرح‌های صنعتی، حق ثبت اختراعات، طرح‌های یکپارچه، حفاظت از اسرار تجاری، کنترل رویه‌های ضد رقابتی در مجوزهای بهره‌برداری (لیسانی) قراردادی از دیگر مواردی است که تحت حمایت موافقتنامه تریپس قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

از مهمترین ویژگی‌های این موافقت‌نامه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

<sup>۱</sup> پورمحمدی، شیمای، مالکیت صنعتی در موافقت‌نامه تریپس و کنوانسیون پاریس، حقوقی دادگستری، بهار و تابستان ۱۳۸۴ -

شماره ۵۰ و ۵، ص ۲۴۱

<sup>۲</sup> شیری، عبدالحسین، حقوق تجارت بین الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳



موافقت نامه از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق مولف، حق نسخه برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد.

موافقت نامه ضمن تعیین استاندارد های حداقل به برخی از کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت فکری از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین المللی حمایت از اجرا کنندگان و تولید کنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم) و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آنها را لازم الاجرا دانسته است. موافقت نامه با تأکید بر مسأله اجرا به مواردی از قبیل رویه های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمینی و رویه های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد. موافقت نامه در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد. در موافقتنامه تریپس در تعهدات کلی اعضا آمده است، اعضا موظفند که رویه های اجرایی مقرر در این قسمت طبق قوانینشان برای افراد در دسترس باشد به گونه ای که اقدام موثر علیه ناقض حقوق معنوی امکان پذیر گردد. از جمله وسایل جبران خسارت سریع برای جلوگیری از نقض و وسایل جبران خسارتی که مانع نقض بیشتر شوند. اجرای این رویه ها به نحوی خواهد بود که از ایجاد موانع فرا راه تجارت مشروع اجتناب به عمل آید و در آنها تضمیناتی برای جلوگیری از سوءاستفاده از این حقوق پیش بینی گردد. این ماده وضع دو نوع خسارت را مقرر می‌کند: خسارت های فوری در ممانعت از تخلفات انجام شده و خسارت هایی که عامل بازدارنده ای برای تخلفات بعدی محسوب می

<sup>۱</sup> صادقی، محمود؛ شیخی، مریم، اقدامات تأمینی و ضمانت اجرای مدنی حقوق مالکیت صنعتی مطالعه تطبیقی، حقوق ::





شوند. ضرورت تعادل میان منافع مالکان، متخلفان و منافع عمومی در دسترس به محصولات حمایت شده حقوق مالکیت فکری در این بند لحاظ شده، منعکس کننده منافع مالکان است و جمله دوم منافع عمومی را در دسترسی به محصولات حمایت شده حقوق مالکیت فکری لحاظ می کند و مقرر می کند؛ تشریفات در چنین روشی برای اجتناب از ایجاد موانع بر سر راه تجارت قانونی و فراهم نمودن مصونیت در مقابل سوءاستفاده از آن اعمال خواهد شد. این قسمت با مقدمه بند ۱ ماده ۸ مرتبط است که مقرر می دارد: در پذیرش و اعمال تدابیر اجراء، اعضا باید تضمین کنند که تجارت مشروع و قانونی به مخاطره نمی افتد.

### بند اول: بررسی و شناخت حقوقی قرارداد برن

معاهده برن برای حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در سال ۱۸۸۶ متولد و در ۵ دسامبر ۱۸۸۷ لازم الاجرا گردید. این معاهده برن نخستین و مهم ترین سند جامع بین المللی در زمینه حقوق پدیدآورندگان است. این سند بنگ بنای رشته حقوق مالکیت فکری را تشکیل می دهد. معاهده مبتکر ایجاد اتحادیه ای فرضی است، که از یک طرف در بطن آن قاعده بنیادی «تشبیه اعضای اتحادیه به عضو ملی» اعمال می شود، و از طرف دیگر واضح یک سری اصول و قواعد حمایتی الزامی است که «حداقل حقوق معاهده ای» نامیده می شود. اصل حمایت بدون تشریفات، شناسائی حق معنوی، اصل حق انحصاری تکثیر، ترجمه، اقتباس، عرضه، پخش رادیویی و تعقیب برای مؤلفان از آورده های مهم این معاهده در تاریخچه حقوق مالکیت فکری است. این معاهده در وضع سایر معاهدات بعدی این معاهده در تاریخچه حقوق مالکیت فکری است. این معاهده در وضع سایر معاهدات بعدی لحاظ و مورد تأکید قرار گرفته است. شرط الحاق به موافقتنامه تجاری حقوق مالکیت فکری مصوب ۱۹۹۴ که امروزه سندی فراگیر می باشد پذیرش مواد ۱ الی ۲۱ معاهده برن است. شرط لازم جهت ورود کشورها به سازمان تجارت جهانی نیز پذیرش و اعمال موافقتنامه یاد شده است. بنابراین معاهده برن نه تنها به لحاظ فرهنگی بلکه از دیدگاه اقتصادی نیز بیش از گذشته مورد توجه جهانیان می باشد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> محمدزاده وادقانی، علیرضا؛ محسنی، حسن؛ ترجمه متن معاهده برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱)، حقوق « دوره



علت وجودی این معاهده و ابزار به کار گرفته شده در آن، توسط کلودماسویه خیلی خوب ترسیم شده است: «ارتقاء فنی بدون وقفه دنبال می شود، وسایل تکثیر و استفاده از آثار، همچنین توسعه ی روزافزون تبادل فرهنگی بین کشورها ایجاب می کند که حق مولف نه تنها توسط قوانین ملی بلکه در سطح بین المللی حمایت شود. معاهده ی برن به طور دائمی در تعقیب این هدف است که با آثار ناشی از هر یک از کشورهای عضو همچون آثار ملی رفتار شود و مولفات بدون تحمل کمترین تشریفات از این رفتار ملی و از یک حداقل حمایت برخوردار شوند. این کنوانسیون دارای ضمیمه ای مقررات خاص برای کشورهای درحال توسعه است. جمهوری اسلامی ایران تاکنون به این کنوانسیون و هیچ یک از اصلاحات آن ملحق نشده است و موافقان و مخالفات هر یک دیدگاهی در این زمینه دارند. این کنوانسیون از زمان انعقاد تاکنون هشت بار مورد تجدیدنظر واقع شده است. فرایند بازنگری و تکمیل توافق نامه برن به لحاظ زمانی و مکانی به شرح ذیل است:

۹ سپتامبر ۱۸۸۶ - برن - توافقنامه برن در مورد حفاظت از حقوق آثار ادبی و هنری

۴ مه ۱۸۹۶ - پاریس - تکمیل توافق نامه برن

۱۳ نوامبر ۱۹۰۸ - برلین - بازنگری در توافق نامه برن

۲۰ مارس ۱۹۱۴ - برن - تکمیل توافق نامه برن

۲ ژوئن ۱۹۲۸ - رم - بازنگری

۲۶ ژوئن ۱۹۴۸ - بروکسل - بازنگرس

۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ - استکهلم - بازنگری و تکمیل

۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱ - پاریس - بازنگری و تکمیل

۱۲ اکتبر ۱۹۷۹ - پاریس - بازنگری

با اصلاحات برلین در ۱۹۰۸، در مورد حمایت از آفرینندگان، بدون انجام تشریفات تصمیم گرفته شد. با اصلاحات رم در ۱۹۲۸ بر حق معنوی، صحه گذارده شد. با اصلاحات بروکسل در ۱۹۴۸، اصل حمایت از حقوق مولف حداقل پنجاه سال پس از مرگ و حق تعقیب پذیرفته



شد. با اصلاحات استکهلم در ۱۹۶۷ گسترش جغرافیایی به عنوان اولویت در بین اهداف قرار گرفت، امری که موجب وضع پرتکل الحاقی مساعد برای کشورهای در حال توسعه گردید. سه عامل اساسی در این اصلاحات نقش بارز داشتند، عبارتند از:

- ۱- افزایش تعداد کشورهایایی که به توافق نامه پیوستند و همچنین رفع اختلاف نظرهای آنها
- ۲- بررسی راهکارهای حقوقی حاصل از تجربیات عملی و اعمال آنها در توافق نامه
- ۳- پیشرفت فناوری و ظهور شیوه های جدید برای تبادل دستاوردهای پدیدآورندگان<sup>۱</sup>

با این که تصویب این قرارداد به بیش از یک صد سال قبل برمی گردد، ولی هنوز مورد اجراست و بدون تغییر بنیادی در مفاد اساسی که هنگام وضع آن به تصویب رسیده؛ به آن عمل می شود.

کشورهایی که این کنوانسیون را تصویب نموده بودند، اتحادیه برن را تشکیل دادند تا اطمینان حاصل نمایند که حقوق مولفان در تمام کشورهای عضو به رسمیت شناخته می شود و مورد حمایت قرار می گیرد. کنوانسیون برن توسط سازمان جهانی مالکیت فکری که مقر آن در شهر ژنو سوئیس است، اجرا می شود. امور اداری سازمان های اتحادیه به عهده دبیرخانه WIPO<sup>۲</sup> می باشد و مدیرکل سازمان جهانی مالکیت معنوی عالی ترین مقام اتحادیه و نماینده آن است. کنوانسیون برای تمامی کشورها باز است و اسناد تصویب یا الحاق باید نزد دبیرکل سازمان جهانی مالکیت معنوی سپرده شود. در حال حاضر شمار زیادی از کشورها به کنوانسیون برن پیوسته اند ولی کشور ما هنوز به این کنوانسیون ملحق نگردیده است. با توجه به ماده ۲ کنوانسیون برن، اصطلاحات ادبی و هنری شامل فهرستی روشن و البته غیرکامل از آثار تحت حمایت است که شامل «هنر نوع تولید اصلی در قلمرو ادبی و علمی و هنری، صرف نظر از شیوه و سبک و شکل بیان آنها» می باشد. آثاری مانند کتاب ها، برشورها، کنفرانس ها، نطق ها، وعظ ها، آثار داستانی، آثار طراحی، نقاشی، معماری، مجسمه سازی، عکاسی، نقشه های جغرافیایی، آثار معماری و علمی همگی از مصادیق آثار فکری تحت حمایت کنوانسیون برن

<sup>۱</sup>قضاع، محمد؛ قانون کپی رایت، نشر پیکان، ۱۳۸۵، ص ۳۶

<sup>۲</sup>Word intellectual property organization



هستند. البته لازم به توضیح است که آنچه که به عنوان مصادیق آثار هنری و ادبی در بند ۱ ماده ی ۲ کنوانسیون آمده، تمثیلی جنبه های حق مولف را به طور خلاصه در بر نمی گیرد و برخی از موضوعات خارج از قلمرو کنوانسیون قرار دارند، از آن جمله می توان به موضوعاتی که بسیار بحث انگیز بوده و قوانین کشورهای مختلف مواضع کاملاً متفاوتی در قبال آنها اتخاذ نموده اند، نظیر موضوع سرپرستی حقوق یا آثار پدید آمده توسط حقوق بگیران، اشاره کرد. به علاوه مسائل قراردادی هم به دلیل این که ضرورتی در این خصوص دیده نشده، موضوع کنوانسیون برن قرار نگرفته اند.<sup>۱</sup> در معاهده ی برن دو نوع حق تحت عنوان حقوق مادی (مالی) و حقوق معنوی به صورت اصول کلی مورد حمایت قرار گرفته است. اصل مورد پذیرش کنوانسیون، همان اصل حق انحصاری پدیدآورنده است که در نظامهای داخلی وجود دارد<sup>۲</sup>

حقوق انحصاری که برابر کنوانسیون برن برای پدیدآورندگان شناخته شده عبارتند از: حق انحصاری ترجمه<sup>۳</sup>، حق انحصاری نسخه برداری (تکثیر)،<sup>۴</sup> حق انحصاری اقتباس<sup>۵</sup>، حق انحصاری نمایش و عرضه<sup>۶</sup>، حق تعقیب<sup>۷</sup>. به منظور حفظ تعادلی متناسب بین منافع صاحبان کپی رایت و استفاده کنندگان از آثار حمایت شده، معاهده ی برن محدودیت های مشخصی را بر حقوق اقتصادی (مادی) روا داشته است، یعنی مواردی که آثار حمایت شده بدون اجازه ی قانونی پدیدآورنده و بدون پرداخت غرامت مورد استفاده قرار می گیرند. به این محدودیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> زر کلام، ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات سمت، ۱۳۸۷، ص ۴۵۰

<sup>۲</sup> قاسمی، محسن، سیر تحول حقوق مولف در جامعه بین المللی، مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین الملل معاونت امور

حقوقی امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۵، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷

<sup>۳</sup> ماده ۸ کنوانسیون

<sup>۴</sup> بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون

<sup>۵</sup> ماده ۱۲ کنوانسیون

<sup>۶</sup> ماده ۱۱ کنوانسیون برن

<sup>۷</sup> ماده ۱۴ کنوانسیون



ها معمولاً «استفاده های آزاد» از آثار حمایت شده اطلاق می گردد،<sup>۱</sup> که از آن جمله می توان به تکثیر در موارد معین<sup>۲</sup>، نقل قول ها و استفاده از اثر با مقاصد آموزشی<sup>۳</sup>، تکثیر روزنامه یا مقالات مشابه و استفاده از آثار به منظور گزارش وقایع جاری<sup>۴</sup> اشاره نمود. البته در این موارد نیز ذکر منابع و مأخذی که از آن استفاده شده است و ذکر نام مولف در صورت مشخص بودن، الزامی است.

### بند دوم: قرارداد پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی

در بیستم مارس ۱۸۸۳ یازده دولت در پاریس عهدنامه ای را امضاء کردند که طبق مدلول آن عهدنامه این یازده دولت اتحادیه پاریس را برای حفظ مالکیت صنعتی بوجود آوردند، رفته رفته دولتهای دیگری باین قرارداد ملحق شدند. قرارداد پاریس پس از انعقاد بار اول در چهاردهم دسامبر ۱۹۰۰ در بروکسل در دوم ژوئن ۱۹۳۴ در لندن با حضور نمایندگان دولتهای عضو اتحادیه پارس مجدداً مطرح شد و با مقتضیات روز تطبیق و مواد آن مورد جرح و تعدیل و تجدیدنظر قرار گرفت.<sup>۵</sup> قرارداد اتحادیه پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی کشورهای عضو را داخل در یک اتحادیه می سازد. اتحادیه مزبور عبارتست از نوعی توافق میان کشورها. کشورهایی که این قرارداد در مورد آنها اعمال می شود، اتحادیه ای به منظور حمایت از مالکیت صنعتی تشکیل می دهند.<sup>۶</sup> موضوع حمایت مالکیت صنعتی عبارت است از «امتیاز اختراعات، نمونه های استعمال، نمونه های صنعتی، علامتهای کارخانه ای یا تجاری، علامتهای خدمتی، نام تجاری و اعلامهای مبدأ یا توصیفهای منشاء، همچنین تضییق رقابت نامشروع و

<sup>۱</sup> کمپر، کورت، حمایت بین المللی از کپی رایت حقوق مرتبط با آن، سخنرانی ها و مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، زیر نظر سعید حبیب و مرتضی شفیع شکیب، خانه کتاب، ۱۳۸۳، ص ۹۰

<sup>۲</sup> ماده ۹ کنوانسیون

<sup>۳</sup> ماده ۱۰ کنوانسیون

<sup>۴</sup> ماده ۱۰ مکرر

<sup>۵</sup> ثراقی، مهدی، قرارداد پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی، کانون و کلا :: فروردین و اردیبهشت ۱۳۳۷ - شماره ۵،

ص ۴۰

<sup>۶</sup> ماده ۱ متن تجدیدن نظر شده معاهده لیسن



مالکیت صنعتی به معنای اعم است و نه تنها بر صنعت و تجارت بمعنای حقیقی کلمه بلکه بر قلمرو کشاورزی و تحصیل ذخایر ارضی و بر کلیه فرآورده های کارخانه ای و طبیعی، مانند شراب، غله، برگ تنباکو، میوه، دام، کانیها، آب معدنی، آبجو، گل و آرد شمول می یابد. اصول کلی مندرج در قرارداد پاریس را می توان به چهار دسته تقسیم نمود:

۱- مقررات مربوط به حقوق بین الملل عمومی شامل حقوق و تکالیف دولتهای عضو قرارداد و نیز مقررات اداری.

۲- مقرراتی که دولتهای عضو را ملزم به وضع قوانین و مقرراتی درباره مالکیت صنعتی می کند یا به دولتها اجازه تصویب آن مقررات را می دهد.

۳- مقرراتی درباره حقوق و وظایف اشخاص ذینفع در استفاده از حقوق مالکیتهای صنعتی در سایر کشورهای عضو قرارداد.

۴- مقررات مربوط به امکان اجرای مستقیم مفاد قرارداد یا لزوم وضع مقرراتی در قلمرو ملی برای نحوه اجرای قرارداد.<sup>۲</sup>

براساس ماده ۲ کنوانسیون لیسبون: «در مورد حمایت مالکیت صنعتی اتباع هر یک از ممالک عضو اتحادیه در سایر ممالک عضو از مزایایی که قوانین ممالک مزبور چه در حال حاضر و چه در آینده به اتباع خود اعطا نموده یا اعطا خواهند نمود برخوردار خواهند شد بدون آن که لطمه ای به حقوقی که به موجب قرارداد خاص پیش بینی شده وارد آید از همان حمایتی که اتباع آن ممالک بهره مند می باشند برخوردار خواهند شد و از همان حق قانونی توسل به مراجع صالحه علیه هر تزییع حقی که بر آنها وارد آید به شرط انجام تشریفات مقرره برای اتباع داخله استفاده خواهند نمود.»

<sup>۱</sup> لطفی، تقی، بحثی تطبیقی در ریشه های تاریخی حقوق تالیفی و حمایت حقوقی صنعتی، کانون و کلا: پاییز ۱۳۴۸ -

شماره ۱۱۴، ص ۱۳۰

<sup>۲</sup> امامی، نورالدین و دیگران، درباره قرارداد پاریس، راجع به حقوق مالکیت صنعتی، موسسه حقوقی تهران، ۱۳۵۳، صص ۲



لکن در مملکتی که دعوی حمایت می شود برای استفاده اتباع کشورهای عضو اتحادیه از حقوق مالکیت صنعتی هیچ گونه شرط اقامت یا استقرار نمی توان قائل شد.

مقررات قانونی هر یک از ممالک عضو اتحادیه مربوط به اصول محاکمات قضایی و اداری و صلاحیت و همچنین مربوط به انتخاب اقامتگاه یا تعیین نماینده که در قوانین مربوط به مالکیت صنعتی پیش بینی شده است اکیدا محفوظ خواهد بود.

براساس قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین المللی معروف به پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و تجارتي و کشاورزی مصوب ۱۴ اسفند ماه ۱۳۳۷ دولت ایران مجاز گردیده الحاق خود را به اتحادیه مزبور با تمام تغییرات و اصلاحاتی که تا تاریخ تصویب قانون در آن به عمل آمده اعلام دارد. چون در آن زمان آخرین تغییرات و اصلاحات مواردی بوده که در لیسبون به عمل آمده بود و دولت ایران الحاق خود را به آن موارد نیز اعلام داشته است<sup>۱</sup>. براساس قانون الحاق دولت ایران به اتحادیه دولت مجاز است الحاق خود را به اتحادیه عمومی بین المللی معروف به پاریس که مقر آن در برن است و برای مالکیت صنعتی و تجارتي و کشاورزی به موجب پیمانهای چند جانبه تشکیل شده با تمام تغییرات و اصلاحاتی که تا این تاریخ در آن به عمل آمده است اعلام دارند<sup>۲</sup>. قوانین جمهوری اسلامی ایران در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی، گرچه همه موضوعات مندرج در کنوانسیون پاریس را در بر نمی گیرد، اما در حدود حمایت از علایم تجاری و اختراعات و رقابت نامشروع، علیرغم قدمت آنها، بسیار موثر است. دادگاههای عمومی و تهران و تجدیدنظر استان تهران، همه روزه دعاوی بسیاری را در این زمینه رسیدگی می کنند و با اجرای قوانین مزبور، زمینه را برای ایجاد

<sup>۱</sup>امانی، نقی، قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۲  
<sup>۲</sup> ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین المللی معروف به پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی و

تجارتي و کشاورزی مصوب ۱۳۳۷.۱۲.۱۰



عدالت قضایی، امنیت سرمایه‌گذاری و اطمینان خاطر مصرف‌کنندگان کالاها فراهم می‌سازند.<sup>۱</sup>

### بخش سوم: تضمینات حمایت از مالکیت فکری در نظام حقوقی داخلی

«قانون اساسی هر کشوری قانون مادر و اصلی‌ترین قانونی است که روابط مالی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن کشور را شکل و سازمان می‌دهد و در حقیقت قانون اساسی منشاء بسیاری از قوانین و مقررات هر کشور است.»<sup>۲</sup> در نظام اقتصاد اسلامی، که حقوق اساسی ایران نیز از آن متأثر شده است، «به دلیل ارزش و احترامی که فرد و جامعه دارند و تصویر خاصی که اسلام از آزادی ارائه می‌دهد، انسان در بند مالکیت خاص اسیر نمی‌شود و اسلام با ارائه مالکیت مختلط؛ یعنی گونه‌های مختلف مالکیت، حق فرد و جامعه را منظور می‌دارد و زمینه شکوفایی و رشد و خلاقیت‌ها را در مورد هر کدام فراهم می‌آورد.»<sup>۳</sup> در نظام حقوقی اسلام، احکام اقتصادی بر پایه مالکیت استوار شده است. مالکیت در اسلام سه نوع است «مالکیت شخصی یا مالکیت فردی، مالکیت عمومی و مالکیت دولتی» هر کدام از این انواع مالکیت مشخصات خاص خود را دارد.

«اسلام مالکیت را دو گونه می‌داند یکی مالکیت حقیقی که مربوط به خداوند است که مالکیت حقیقی بر جهان هستی است، که آن را به قیومیت ذات الهی برای عالم تعبیر می‌کنند.»<sup>۴</sup> این نوع مالکیت نه قابل سلب است و نه قابل انتقال به غیر خدا. اما نوع دوم مالکیت، مالکیت اعتباری است. این رابطه رابطه‌ای است که بین شخص و یک شیء مادی تصور شده

<sup>۱</sup> وصالی محمود، رضا؛ حمایت قضایی از مالکیت صنعتی در حقوق ایران، نامه اتاق بازرگانی، دی ۱۳۷۷ - شماره ۳۶۹،

ص ۴۷

<sup>۲</sup> یگانه، فریدون، قوانین و مقررات مادر براساس برنامه مصوب شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم و تحقیقات و

فناوری، نیک اندیش، ۱۳۸۵، ص ۱۱

<sup>۳</sup> عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی، تهران، مجد، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷

<sup>۴</sup> مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، پایدار، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷





و قانون آن را معتبر شناخته و به دارنده این رابطه حق می دهد که هرگونه استفاده ممکن را از آن ببرد.<sup>۱</sup>

در نظام اقتصادی اسلام، سه نوع مالکیت وجود دارد:

۱- مالکیت خصوصی که در قلمرو آزادی هدایت شده فردی به انسان فرصت می دهد از تنگناها و اسارت ها خود را رهایی بخشد و آزادی و رشد و خلاقیت شایسته خویش را باز یابد و اشیای خاصی را به شیوه های تعیین شده برای رفع نیازمندیهای خود تصاحب کند.

۲- مالکیت عمومی که میدان عمل خاص خود را دارد و به فرد اختصاص ندارد و نه در حوزه خاص مالکیت دولت قرار می گیرد. مانند آن قسمت از اراضی که در جریان جهاد با پیروزی نظامی به دست مسلمین می رسد. براساس فقه اسلامی این اموال متعلق به همه مسلمانان است و دولت اسلامی به عنوان نماینده مسلمانان منافع آن را در جهت مصالح و منافع اجتماعی آن صرف می کند.

۳- مالکیت دولت از قبیل انفال که متعلق به دولت اسلامی است و توسط دولت صرف مصالح عموم مسلمانان می شود.

«در حقوق اساسی جمهوری اسلامی گرچه اقتصاد زیربنا شناخته نشده ولی برای آن اهمیت زیادی قائل شده گردیده و تاکید بر این دارد که اصول لازم رعایه اسلامی و اجتناب از همه آنچه ممنوع اعلام شده تنظیم گردد و همه فعالیت های فردی و گروهی و دولتی اقتصاد در چارچوب آن قرار گیرد.» قانون اساسی جمهوری اسلامی براساس تفکر اسلامی، در اصل چهل و چهار قانون اساسی نظام اقتصادی کشور بر سه پایه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی طراحی شده است.

بخش دولتی در حقیقت بر مبنای مالکیت عمومی و مالکیت دولت و نیز بر پایه اختیارات حکومت اسلامی در کنترل و هدایت مالکیت خصوصی و همچنین براساس سرمایه گذاری دولت (مالکیت عامه) استوار است و شامل مالکیت همه موارد می گردد. بخش تعاونی که

<sup>۱</sup>مدنی، سید جلال الدین، همان، ص ۱۱۷



بخشی از ثروتهای خصوصی است که از انتفاع شخصی بیرون آمده و جنبه عمومی به خود گرفته و از نظر موازین فقه اسلامی نوعی شرکت است که سهامداران براساس قرارداد تعاونی به طور محدود از بخشی از منافع آن استفاده کنند. بخش خصوصی که از اصل مالکیت خصوصی ناشی شده و شامل فعالیتهای فردی و جمعی (به طور شراکتی) در امر کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود. مالکیت خصوصی علاوه بر اصل ۴۳ در اصل ۴۷ نیز به صراحت مورد تأکید واقع شده است.<sup>۱</sup> قانون اساسی شرایط عمومی مالکیت در سه بخش اقتصادی (بخشهای عمومی، خصوصی و تعاونی) را به شکل زیر بیان نموده است:

«۱- مطابقت با سایر اصول و ضوابطی که در قانون اساسی و به خصوص در فصل چهارم آن آمده است؛

۲- براساس موازین اسلام و در محدوده قوانین اقتصادی و ضوابط فقه اسلامی باشد؛

۳- در چارچوب رشد و توسعه اقتصادی کشور به طوری که موجب شکوفایی و رشد بیشتر اقتصاد کشور شود؛

۴- به هیچ وجه مایه زیان جامعه در همه ابعاد مادی و معنوی آن نشود.»<sup>۲</sup>

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مورد منشاء حاکمیت در اصل ۴۶ عنوان می نماید: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است...» در این اصل کار به عنوان یک منشاء مالکیت پذیرفته شده یعنی مالکیت از روشهای دیگری نیز حاصل می شود مثل حيازت مباحات و تجیر و ارث.

همچنین در اصل ۴۷ قانون اساسی اعلام داشته «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و ضوابط آن را قانون معین می کند.» علاوه بر قانون اساسی قانون مدنی وضع مالکیت را با نظر مشهور فقها تطبیق داده و از همان موازین حقوق اسلامی تبعیت کرده است. قانون اساسی به همان اندازه که مالکیت مشروع را مورد احترام قرار می دهد، بر بازپس گیری اموال نامشروع تأکید می نماید. اصل ۴۹ قانون اساسی دولت را موظف می نماید که با رسیدگی و

<sup>۱</sup> عمید زنجانی، عباسعلی، پیشین، ص ۲۱۸

<sup>۲</sup> عمید زنجانی، عباسعلی، پیشین، ص ۲۱۸



تحقیق و تفحص و از طریق قضاء اسلامی ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سواستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد نماید. در واقع این اصل تأکیدی است بر مالکیت مشروع و حمایت از آن. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیوند تامین استقلال اقتصادی با حل مسائل اجتماعی و از میان برداشتن مشکلات زندگی مردم و تامین نیازهای در حال رشد جامعه و حفظ شئون انسان آزاده را ضروری دانسته است.<sup>۱</sup>

### بند اول: سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

یکی از مهمترین مقررات مورد توجه در حوزه حقوق اقتصادی و مالکیت فکری، سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. در این اصل، مباحث مختلفی در حوزه اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است که از آن میان می توان به مالکیت فکری و همچنین حقوق رقابت اشاره نمود. در واقع سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از بهترین مصداقها در خصوص اثبات این امر است که موضوع مالکیت فکری می تواند در حوزه حقوق عمومی نیز مورد بررسی قرار گیرد. در این اصل اگرچه انتظار بر این است که مالکیت فکری به نحو موثری مورد حمایت قانونگذار قرار گیرد اما، در عمل در تعارض بین حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری، قانونگذار حقوق رقابت را برگزیده است. عده ای از صاحب نظران بر این باورند که امکان اعمال حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت به طور همزمان وجود ندارد و از سوی دیگر برخی، منکر وجود تعارض اساسی بین این دو دسته حقوق شده، بر وجود تعاملات بین آنها تاکید دارند. از این تفاوت دیدگاه بخوبی می توان دریافت که میزان تعامل یا تعارض میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری، امری لغزان و وابسته به سطح توسعه یافتگی کشورهاست و قانونگذار هر کشور سعی دارد برای پاسخگویی به منافع اقتصادی و نیازهای توسعه ای خود، به تنظیم و تعدیل روابط این دو بپردازد. قانونگذار کشور ما نیز اخیرا در

<sup>۱</sup>رزاقی، ابراهیم، آشنایی با اقتصاد ایران، تهران، نشرنی، ۱۳۹۰، ص ۲۵



موضوع سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای نخستین بار به این امر مهم توجه کرده است. براساس ماده ۵۱ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴: «حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت فکری نباید موجب نقض مواد (۴۴) تا (۴۸) این قانون شود. در این صورت شورای رقابت اختیار خواهد داشت یک یا چند تصمیم زیر را اتخاذ کند:

الف) توقف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری،

ب) منع طرف قرارداد، توافق یا مصالحه مرتبط با حقوق انحصاری از انجام تمام یا بخشی از شرایط و تعهدات مندرج در آن.

ج) ابطال قراردادهای توافق‌ها یا تفاهم مرتبط با حقوق انحصاری در صورت مؤثر نبودن تدابیر موضوع بندهای «الف» و «ب» این ماده.

اگرچه اعطای حق انحصاری به خودی خود تعارضی با حقوق رقابت ندارد؛ خصوصاً آنکه اعطای انحصار به صاحب حق، جزو جوهر حقوق مالکیت فکری محسوب می‌شود و به تعبیر دیگر، سلب انحصار باعث درون تهی شدن مالکیت فکری می‌شود، اما ماده ۵۱ این قانون به گونه‌ای تنظیم شده است که حق انحصار را در مرحله اجرای حق انحصار سلب می‌نماید.

### بخش چهارم: راهکارهای غیرقضایی تضمین حقوق شهروندی

در بهره‌گیری از راهکارهای غیرقضایی حقوق شهروندی، ملاحظه می‌گردد که بخشی از حاکمیت و شهروندان به عنوان بازوهای تحقق حقوق شهروندی و در نهایت تحقق مالکیت فکری و معنوی نقضی مؤثر ایفا می‌نمایند. قانون اساسی بیان‌گر آرمان‌های یک ملت است و به همین دلیل اجرای آن خواست کلی آنان به شمار می‌رود. مسئولیت تحقق این خواسته در اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده رئیس‌جمهور نهاده شده است؛<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه یکی از شئون این مقام «ریاست قوه مجریه» است، محدوده این مسوولیت را نمی‌توان ناظر بر «قوای سه‌گانه»، قلمداد نمود؛ چرا که این موضوع، عملاً زمینه نقض «اصل

<sup>۱</sup> اسماعیلی، محسن؛ نقش رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی، دین و ارتباطات «زمستان ۱۳۸۳ - شماره ۲۴، ص ۷



استقلال قوا» را فراهم می آورد. همچنین با توجه به زمینه های سلب صلاحیت «تنظیم روابط قوای سه گانه» از رئیس جمهور در جریان بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ و ارتباط این صلاحیت با بحث «نظارت بر اجرای قانون اساسی» نیز نمی توان گفت که «بالاترین مقام رسمی کشور پس از رهبری» صلاحیت این امر را دارد، بلکه این مهم، صرفاً در صلاحیت «بالاترین مقام رسمی کشور» بوده و با توجه به آنکه از «ابزارهای اصلی» اعمال صلاحیت «حل اختلاف و تنظیم روابط قوا» توسط مقام رهبری، (مصرح در بند (۷) اصل (۱۱۰) قانون اساسی)، امکان «نظارت بر اجرای قانون اساسی» است. لذا هرگونه برداشتی غیر از برداشت فوق، مغایر با این اصل نیز قلمداد خواهد شد. بنابراین، طبق اصل (۱۱۳) و (۱۲۱) قانون اساسی، رئیس جمهور، مسوول پاسداری از جنبه های اجرایی قانون اساسی، صرفاً در آن قسمت از قوه مجریه که تحت ریاست مستقیم وی است، می باشد.<sup>۱</sup> در همین راستا رئیس جمهور با بهره گیری از اختیارات خود که به موجب قانون اساسی از آن برخوردار گردیده است نقشی موثر در اجرای حقوق شهروندی و همچنین حق مالکیت فکری به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسانی برعهده دارد.

### بند اول: نظارت مردمی

در نظام جمهوری اسلامی ایران، شهروندان موضوع حق و تکلیف هستند. آنان همانگونه که صاحب حقوق بنیادین هستند، در برابر رعایت حقوق یکدیگر دارای مسئولیت می باشند. در بیانی دیگر «اگر دولتها جامعه را اداره می کنند، مردم نیز عضو ذینفع همان جامعه هستند و نتیجه خوب و بد اعمال و رفتار دولتمردان مستقیماً متوجه آنان می شود. بنابراین به حکم عقل، این حق و تکلیف برای همه افراد ایجاد می شود که بر کار زمامداران خود نظارت نمایند تا از انحراف آنان از مسیر حق و عدالت و تقوا جلوگیری کنند.»<sup>۲</sup> «اصل اسلامی نظارت عمومی و همه مسئول بودن و وظیفه همگانی و متقابل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر که

<sup>۱</sup> محسنی، فرید؛ عبداللهی، حسین؛ رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، حکومت

اسلامی « تابستان ۱۳۹۱، سال هفدهم - شماره ۶۴، ص ۱۱۷

<sup>۲</sup> هاشمی، سید محمد، پیشین، ص ۲۵۵



بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت قرار دارد، به نظام، آن توانایی را می‌بخشد که به طور مداوم سطح آگاهی‌های مردم و کارایی و قدرت کنترل داخلی را تا آن حد بالا ببرد که هرگز قدرتی به فساد کشیده نشود و طرز فکر و خواسته مردم از حدود حق و خیر تجاوز نکند و راه نفوذی برای منحرفان و قدرت‌طلبان و سودجویان باقی نماند.<sup>۱</sup> اصل هشتم قانون اساسی در جمهوری اسلامی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت دانسته و آن را از جمله حقوق و وظایف عمومی معرفی کرده است. در نظام حقوقی ایران نیز موضوع نظارت مردم بر زمامداران به طرق مختلفی بیان شده است. یکی از روشهای اعمال نظارت مردم رسانه‌ها و مطبوعات می‌باشند. حکومتها ضمن اینکه برای افراد تحت حاکمیت خود، وظایف و تکالیفی تعیین می‌کنند خود موظفند افزون بر حمایت و حفظ حقوق قضایی و امنیتی، آزادیهای سیاسی را نیز برای آنها فراهم نمایند، چراکه در حکومتهای مردم‌سالار، این‌گونه آزادیها، در حفظ و سلامت قدرت سیاسی تأثیر بسزایی دارد.<sup>۲</sup> وظیفه حکومت اعم از ملی و محلی این است که به درخواستهای مردم پاسخ دهد و نیازهای آنان را تأمین کند. برای این منظور، اطلاع از درخواستها و تمایلات جامعه، امری ضروری است و کسب آگاهی‌های درست و موثق ممکن نیست، مگر آنکه افراد بتوانند آنچه می‌دانند، آزادانه بگویند، بنویسند و منتشر کنند. افزون بر این، حکومتی که مورد انتقاد قرار نگیرد، هرگز نخواهد توانست از نتایج تصمیمات و اعمال خود در میان مردم اطلاعاتی موثق به دست آورد و از آثار نامطلوب خطاها و سیاستهای خود آگاهی یابد.<sup>۳</sup> از سویی دیگر، روزنامه به طور خاص و مطبوعات به طور عام در تکوین افکار عمومی بسیار موثرند. «برای نشان دادن اهمیت سیاسی مطبوعات بود که بر آن نام "رکن چهارم" دموکراسی نهادند. لیمن

<sup>۱</sup> عمید زنجانی، عباسعلی، پیشین، ص ۷۶

<sup>۲</sup> نظریور، مهدی، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها،

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰، ص ۷۲

<sup>۳</sup> بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، ص ۳۷



روزنامه را "کتاب مقدس دموکراسی" نامید. روزنامه منبعی است که از آن مردم واقعیتها را در می یابند. روزنامه ها با روش انعکاس خبرها، با تحریفی که در آن ایجاد می کنند و با بحث درباره رخدادهای و سیاستهای گروه بندیهای گوناگون سیاسی، در تلاش نفوذگذاری بر افکار عمومی هستند.<sup>۱</sup> اصل آزادی مطبوعات و رسالت مطبوعاتی برای ارباب مطبوعات حقوق تضمین شده ای را ایجاد می کند، تا بر این اساس بی هیچ مانعی، قادر به جریان انداختن اخبار و اطلاعات و بیان مطالب باشند.<sup>۲</sup> مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین ربا رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.<sup>۳</sup> به موجب تبصره همین ماده، انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطقی و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می باشد. علاوه بر مطبوعات به موجب اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی، «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد...» با ظهور دموکراسی و مردمی شدن امور سیاسی، رقابت بر سر زمامداری از یک طرف و اندیشه رهیابی و رهبری برای ایجاد حکومت بهتر از طرف دیگر، افزایش یافته است. «امروزه احزاب به صورت قانون های اندیشه های سیاسی درآمده و هر حزب با تلاش و تکاپو، از طریق جلب و جذب بیشترین طرفداران، برای کسب قدرت به مبارزه سیاسی می پردازد.»<sup>۴</sup> با قبول ضرورت امر به معروف و نهی از منکر و به عبارتی انتقاد و نظارت بر عملکرد سیاسی، ضرورت تشکیل احزاب و تشکلهای سیاسی نیز بدیهی می گردد. «تشکل عبارت از میثاقی است که براساس آن افراد متعدد، با داشتن علائق و آرمانهای مشترک، فعالیت خود را تنظیم و موضع مشترکی را به طور مستمر اتخاذ کنند، بدون آنکه هدف منفعت طلبانه اقتصادی داشته باشند.»<sup>۵</sup> همچنین حزب

<sup>۱</sup> عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۹

<sup>۲</sup> هاشمی، سید محمد، آزادیهای اساسی، پیشین، ۳۶۵

<sup>۳</sup> ماده ۳

<sup>۴</sup> هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، پیشین، ص ۲۵۹

<sup>۵</sup> هاشمی، سید محمد، پیشین، ص ۲۸۷



سیاسی عبارت است از گروهی که عضویت در آن آزاد بوده بطور بالقوه با کل گستره امور جامعه در ارتباط است. آزادی تشکلهای و احزاب از جمله حقوق انسانی محسوب می‌شود که ابعاد وسیع و تأثیرگذاری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و با مبانی ارزشی خود در نظامهای حقوقی مورد حمایت و تأکید قرار گرفته است. احزاب همچون سازمانهای غیردولتی قدرت بالایی در پیشگیری از فساد اداری دارند. احزاب سیاسی پیوسته بر عملکرد دولت نظارت می‌کند و با ارائه طرح‌های انتقادی خود و راه اندازی تجمعات دولت را در بر آن می‌دارند تا در چارچوب قانون عمل نموده و در سیاست‌های خویش به نفع مردم تعدیل به عمل آورد. این خود نوعی دادخواهی است که احزاب سیاسی انجام می‌دهند. اما تفاوت اساسی احزاب سیاسی با نهادهای جامعه مدنی این است که جامعه مدنی هرگز در اندیشه به دست آوردن قدرت سیاسی نیستند؛ در حالی که احزاب سیاسی برای رسیدن به قدرت سیاسی تلاش می‌کنند. احزاب سیاسی به یک مفهوم حکومت‌های آماده هستند. احزاب سیاسی دارای برنامه‌های سیاسی اجتماعی اند که جهت عملی سازی برنامه‌های خود به قدرت دولتی نیاز دارند. در این مفهوم احزاب سیاسی به دولت به مفهوم افزار تطبیق برنامه‌های خود نگاه می‌کنند.

### نتیجه گیری

اصل حقوق مالکیت فکری در واقع به رسمیت شناختن اصل مالکیت محصول خرد به صاحب خرد است. این اصل اگرچه در دوره‌های اولیه تکوین سرمایه داری در سایه اهمیت عظیم مالکیت فردی که بیشتر بر مصادیق مادی مترتب بود کم و در حاشیه خود قرار داشت، اما به مرور زمان، همواره با اوج گرفتن اهمیت فناوری بر پایه سرمایه مادی، خود را از زیر سایه آن بیرون کشید و به عنوان اصل اساسی برای رونق صنعت، تولید و توسعه مطرح شد. همچنین مالکیت فکری ارتباطی دوسویه با منفعت عمومی دارد. امروزه، صیانت از منافع عمومی از وظایف حکومتها به شمار می‌رود. ایدئولوژی‌های سیاسی و اقتصادی، نظام باورها و عقاید ما را تشکیل می‌دهند. این فرایند، مولفه‌های معین نظام اجتماعی را به سوی توسعه یا تغییر

<sup>۱</sup>نوزری، حسینی، کارکرد های احزاب سیاسی، علوم سیاسی « بازتاب اندیشه » فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ - شماره ۱ و





مفاهیم هدایت می‌کند. نفع عمومی در نظام مالکیت فکری از دو جهت قابل طرح است. از یک طرف مالکیت فکری موتور محرک ایجاد انگیزه خلاقانه است و باعث افزایش تولیدات دانشی می‌گردد. از طرف دیگر محدودیتها و استثنایهای به کار رفته در مالکیت فکری می‌توانند پاسخگوی نفع عمومی جامعه باشند. بررسی معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، نشان می‌دهد که در مجموع معاهدات اصطلاح مالکیت معنوی وجود ندارد، ولی این به آن معنا نیست که این معاهدات نسبت به حقوق مالکیت معنوی سکوت کامل اختیار کرده‌اند. در یک معاهده عام حقوق بشری یعنی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صراحت چنین حقی به رسمیت شناخته شده است. در برخی معاهدات منطقه‌ای هم از حق مالکیت به طور کلی نام برده شده است. و چنانچه مالکیت معنوی را نوعی از مالکیت به حساب آوریم، می‌توان آن را مشمول حمایت این معاهدات دانست. نهایتاً با عنایت به تحول مفهوم دارایی و پذیرش مفهوم دارایی‌های غیرملموس و فکری شناسایی حقوق مترتب بر این نوع دارایی و تدبیر ساز و کارهای قانونی حمایت از مالکیت‌های یاد شده و احترام به حقوق صاحبان آفرینش‌های فکری از مصادیق نوین حقوق شهروندی محسوب می‌شود و تضمین رعایت حقوق مزبور و توسط دولت‌ها ضرورت دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع و ماخذ

۱. امامی، اسدالله، ۱۳۸۶، حقوق مالکیت فکری، جلد اول، تهران، میزان
۲. امانی، نقی، ۱۳۸۳، قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری، تهران، انتشارات بهنامی
۳. امیرارجمند اردشیر، ۱۳۸۰، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
۴. آیتی، حمید، ۱۳۷۵، حقوق آفرینشهای فکری با تأکید بر حقوق آفرینشهای ادبی و هنری، تهران
۵. برادری، خسرو، ۱۳۸۸، حقوق کودک در اسناد بین المللی، کانون وکلا، شماره ۲۰۶
۶. بی‌نا، ۱۳۷۱، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوقی دادگستری، بهار - شماره ۳
۷. پروین، فرهاد، حقوق شهروندی در سیره نبوی و در حقوق ایران، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی :: مهر و آبان ۱۳۸۷ - شماره ۷
۸. رزاقی، ابراهیم، ۱۳۹۰، آشنایی با اقتصاد ایران، تهران، نشر نی
۹. زارعی هدک، محمد، زارعی هدک، معصومه، ۱۳۹۰، حقوق بشر، توسعه پایدار، تهران، کتاب آوا
۱۰. زرکلام، ستار، ۱۳۸۷، حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات سمت
۱۱. ساعد وکیل، امیر، ۱۳۸۳، حمایت از مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد
۱۲. الستی، ساناز، ۱۳۸۲، حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری، تهران، میزان
۱۳. شعبانی، قاسم، ۱۳۸۸، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی: مؤسسه اطلاعات
۱۴. صادقی محسن، ۱۳۸۷، حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی، میزان
۱۵. صفایی، سیدحسین؛ ۱۳۷۵، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، میزان
۱۶. طباطبایی موتمنی، منوچهر، ۱۳۷۹، حقوق اداری، تهران، سمت
۱۷. نصیری، حسین، ۱۳۷۹، توسعه پایدار، چشم انداز جهان سوم، فرهنگ و اندیشه، تهران
۱۸. الیوت، جنیفر، ۱۳۷۸، مقدمه ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری و حسین رحیمی، مؤسسه توسعه روستایی ایران، تهران